



نگاهی به رفتار دستگاه سیاست خارجی دولت امیر عبداللّهیان و دیپلماسی فال و تماشا

کروه دیپلماسی: این روزها، روزهای خوبی برای منافع بین‌المللی ایران نیست. ایران از شمال، جنوب، شرق و غرب و فراتر از آن، با چالش‌های متعدد دیپلماتیک و بین‌المللی مواجه است. در شرق ایران، یک گروه تروریستی با سابقه جنایت‌های گسترده...

صفحه ۴

پنجشنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۰ | ۱۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ | ۲۱ اکتبر ۲۰۲۱

تیتراها

اشتباه استراتژیک!

ماجرای انتشار فیلم زندان اوین به‌روایت نایب‌رئیس کمیسیون قضایی

صفحه ۲

ورود خاتم‌الانبیا به آسیب‌های اجتماعی پایتخت

صفحه ۹

دستور کار صوری

امروز و فردای طرح شفافیت آرای نمایندگان

صفحه ۲

روشنفکری ایرانی و فقدان فهم دانشورزانه از جهان

صفحه ۶

بزشکیان:

باید FATF داخلی درست شود

صفحه ۳

حرف اول

انبوه‌سازی مسکن در دولت سیزدهم؛ نعمت یا نعمت؟

ایمان ممدی‌نیا

تأمین مسکن در چند دهه اخیر، از مهم‌ترین مسائل اقتصادی است که پای آن به دنیای سیاست نیز کشیده شده است و از زمان دولت سازندگی تاکنون، با توجه به شرایط اقتصادی کشور از جمله رکود و تورم، مورد توجه سیاست‌گذاران واقع شده است. وعده ساخت چهار میلیون مسکن از طرف دولت سیزدهم و همچنین طرح دوفوریتی جهش تولید مسکن و مجلس، نشان‌دهنده عزم مجلس و دولت برای انبوه‌سازی مسکن در هشت سال آینده است. پس از کش‌وقوس‌های فراوان این طرح میان مجلس و شورای نگهبان، بالاخره به تصویب شورای نگهبان رسید. این در حالی است که کارشناسان اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، از مخالفان کلیت این طرح بودند. بی‌توجهی به سخنان این کارشناسان، عواقب را کاملاً متوجه مردم می‌کند؛ اما چرا کارشناسان با این طرح مخالفت می‌کنند؟ درحالی‌که مزایای بسیاری از جمله افزایش اشتغال، تولید مسکن برای جوانان و کاهش شکاف میان عرضه و تقاضای مسکن و بهبود اوضاع مالی شرکت‌های پیمانکار و تأمین‌کننده سیمان، فولاد و... از جمله فواید این طرح‌هاست. در این مقوله با دو پرسش مواجه خواهیم بود: اولاً آیا مزایا و فواید اجرایشن این طرح‌ها، به وقوع خواهند پیوست و ثانیاً اینکه مزایا و فرصت‌های ناشی از اجرایشن این طرح بر معایب و تهدیدهای آن غلبه دارد یا خیر؟

ایرادات مرکز پژوهش‌ها

براساس اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس، تأمین مالی طرح جهش تولید مسکن در هر سال رقمی حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان نیاز دارد که این رقم به رشد نقدینگی و تورم افسارگسیخته دامن می‌زند. این گزارش یکی دیگر از ایرادات طرح جهش تولید مسکن را تغییر رویکرد بانک‌ها از اعطای تسهیلات به سایر بخش‌ها به بخش مسکن عنوان کرده که نتیجه آن تشکیل رکود در سایر بخش‌های اقتصادی است. براساس اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس، در طرح جهش تولید مسکن آمده است در صورتی‌که بانک‌ها با اعطای تسهیلات به بخش مسکن تا سقف ۲۰ درصد خودداری کنند، مطابق قانون بودجه ۹۹، به آنها مالیات تعلق گیرد که این مالیات تا ۶۰ هزار میلیارد تومان به بانک‌ها تحمیل می‌شود و عملاً به معنای ورشکستگی بانک‌ها و تشدید ناترازی شبکه بانکی خواهد بود.

ادامه در صفحه ۱۰

روزنامه شرق

اعضای جامعه روحانیت مبارز به‌عنوان مهم‌ترین حامی جناحی رئیسی با اودیدار کردند

بازگشت جامعه روحانیت به سیاست

صفحه ۳



صفحه ۲

نوبت

ابتکار و زنگنه رسید

نمایندگان مجلس، ابتکار و زنگنه را متهم به تشویش اذهان عمومی و خسارت میلیاردی به بیت‌المال کردند

یادداشت

راهکار عملی برای جلوگیری از صدور آرای اشتباه

اختیارات در قاضی که هم بازجو، هم دادستان، هم قاضی و هم مجری بود ویرانه‌ای در بخش کیفری با اعاده دادرس آن‌هم به شیوه امروزی که مطابق با استانداردهای رسیدگی قضائی نمی‌تواند باشد، اعاده کردند؛ اما امور حقوقی کماکان با همان روش دادگاه‌های عمومی رسیدگی می‌شود. با ایجاد شورای حل اختلاف بخشی از دعاوی به باور نگارنده من غیر حق در صلاحیت مرجعی قرار گرفت که شأن قضائی ندارد. بگذریم؛ مثلاً تا مبلغ ۵۰ میلیون تومان در صلاحیت شورای حل اختلاف است و از ۵۰ میلیون به بالا تا هر سقفی که ادعا بشود، در یک دادگاه و با یک قاضی یعنی به روش سیستم وحدت قاضی رسیدگی می‌شود و آرای دادگاه بدوی تجدیدنظرپذیر است؛ اما فرجام‌پذیر نیست و ریاست محترم قوه قضائیه هیچ اشراف و نظارتی بر عملکرد قضات حداقل از نظر رعایت شکلی قوانین یعنی اینکه آیا قضات در جریان رسیدگی قوانین را به‌درستی اجرا کرده‌اند ندارد. خب معلوم است وقتی تنها دو مرحله رسیدگی داشته باشیم و عملاً قوه قضائیه بر رسیدگی محاکم در شهرستان‌ها اشراف و نظارت نداشته باشد و به واقع در کشور به تعداد استان‌ها که دارای دادگستری کل هستند، جزیره مستقل حقوقی داشته باشیم که دکترین یا رویه قضائی همان استان از دادگاه بدوی تا دادگاه تجدیدنظر در رسیدگی اعمال شود، با آرای مواجه می‌شویم که باید مرجعی باشد که نظارت فراساتنی داشته باشد. نمی‌دانم این مشاوران از کدام مدل قضائی روش‌های سخت و امتحان‌شده اعمال ماده ۱۸، اعمال ماده ۳۵، اعمال ماده ۳۸ و به‌تازگی اعمال مواد ۴۷۴ و ۴۷۷ را لایه به جهت آرامش مقطعی وجدان حقوقی خود پیشنهاد دادند؛ والا چرخ اختراع‌شده مشاوران تهیه لوایح قضائی ایران از هیچ جای دیگری به کار نمی‌آید و راه درست بررسی شکلی یعنی نظارت بر عملکرد قضات در رسیدگی‌های بدوی و تجدیدنظر با بن‌بست فعلی روبه‌روست که ریاست محترم قوه قضائیه به ماده ۴۷۷ پرداخته‌اند؛ اما ماده ۴۷۷ چه می‌گوید: در صورتی‌که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع را خلاف بین شرع تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می‌کند تا در شعبی خاص که از سوی رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می‌یابد، رسیدگی و رأی قطعی صادر کند، شعب خاص مذکور مبتنی برخلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل آورده و رأی مقتضی صادر می‌کند.

ادامه در صفحه ۴

سوچی میزبان اولین مذاکرات رئیس‌جمهور روسیه پرونده ایران و سوریه روی میز پوتین و بنت

کروه جهان: اولین دیدار «فنتالی بنت» در جایگاه نخست‌وزیر اسرائیل با رئیس‌جمهور روسیه فردا در اقامتگاه ولادیمیر پوتین در بندر سوچی روسیه انجام می‌شود؛ دیداری که تحت تأثیر تحولات اخیر در افغانستان و پرونده هسته‌ای ایران قرار گرفته است...

صفحه ۸

سال نوزدهم | شماره ۴۱۲۴ | ۱۲ صفحه | ۷۰۰۰ تومان

سرمقاله

زدن گردن مسگر

سیدمصطفی هاشمی‌طبا



مطابق معمول صداوسیما جمهوری اسلامی ایران در روز ۲۰ مهرماه جاری مصاحبه‌ای مفصل و زنده درباره روابط ایران و جمهوری آذربایجان برگزار کرد که ظاهراً هدف آن تداوم حمله به دولت آقای حسن روحانی و مقصر شناخته‌شدن او در مسائل اخیر مرزهای شمال غربی ایران بود. می‌گویند دانش‌آموزی از جغرافیای جهان فقط به جغرافیای افغانستان احاطه داشت و بنابراین هر سؤال جغرافی را به لطایف‌الحیل به افغانستان مرتبط می‌کرد و سپس شرح وفای درباره افغانستان می‌داد. برای مثال اگر درباره اردن از او سؤال می‌شد، می‌گفت اردن همسایه عراق است و ایران همسایه عراق و افغانستان همسایه ایران است و سپس اطلاعات خود درباره افغانستان را ارائه می‌کرد. حال هم ترجیع‌بند همه مسائل ایران از نظر صداوسیما، حسن روحانی است و همه‌چیز را مرتبط با رفتار او و دولت هشت‌ساله‌اش می‌دانند. تردیدی نیست که دولت روحانی می‌توانست در امور کشور عملکرد بهتری داشته باشد و نیز دولت روحانی همراه با تصمیمات اتخاذشده از سوی حکمرانی می‌توانست شرایط جاری را دگرگون کند اما دولت روحانی که مجری مقامات کشور و از جمله مجلس شورای اسلامی است، دستورالعملی درباره چگونگی اداره کشور نه دریافت کرد و نه مورد سؤال جدی قرار گرفت. طبعاً موارد مختلفی در اداره کشور را می‌توان یافت که حسب ادعا امکان بهتر اداره‌کردن آن وجود داشت اما تاکنون هیچ‌کس نگفته که دولت روحانی در زمینه‌های مختلف چگونه باید عمل می‌کرد. در طول هشت‌سال هم ارائه طریقی عملی از سوی مقام‌های مربوطه برای بهترشدن وضع صورت نگرفته و اگر سخنی گفته شده فقط نظرات مختلف افراد دلسوز و علاقه‌مند بوده که صلابت‌ه حسن و قبح آن ثابت نشده است. هم‌چنانکه معلوم نیست اگر دستورالعملی هم به او داده می‌شد، نتیجه مطلوب به بار می‌آورد. می‌خواهیم در این مختصر به تحلیل بیانات کارشناس صداوسیما بپردازیم و اینکه عدم فعالیت و ناتوانی وزارت خارجه در رابطه با همسایگان و از جمله جمهوری آذربایجان موجب تنش‌های اخیر شده و چون آقای حسن روحانی همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد بجرام ریخته، چنین مسائلی پیش آمده است. هرچند هم کارشناس ذکرشده صداوسیما و هم مجری خاص آن به مسائل مختلف آشنا هستند اما از باب یادآوری نکات زیر را می‌توان به سادگی دریافت.

۱- اولین رئیس‌جمهوری (خودخوانده) جمهوری آذربایجان حیدر علی‌اف بود. او که عضو پولیت بورو اتحاد جماهیر شوروی بود، دشمنی خاصی با ایران داشت و به نقل از مطبوعات در پولیت بورو مخالف سرسخت جمهوری اسلامی شناخته می‌شد. اگر هم در مقام ریاست جمهوری آذربایجان بعداً روابطی با ایران داشت، از سر دوستی و محبت نبود؛ بلکه به‌اصطلاح بیشتر می‌خواست دندان‌های ما را بشمارد.

۲- الهام علی‌اف، رئیس‌جمهوری کنونی هم دست‌کمی از پدر ندارد، او نه اعتقاد به اسلام دارد و نه جمهوری اسلامی ایران را قبول دارد و البته در پی محکم‌کردن پایه‌های حکومت خود است و حداقل کس نسبت به ایران بی‌تفاوت بود. برای استحکام خود به غرب و اسرائیل روی می‌آورد؛ چراکه دوستی با کشوری که پیشگام مبارزه با آمریکا و اسرائیل است، جز تحریم و عدم همکاری فنی و اقتصادی چیزی برای او به ارمغان نمی‌آورد؛ بنابراین موضع ایران در مقابل آمریکا و اسرائیل مشوق حکومت ضدمذهبی و مخالف شریعت الهام علی‌اف برای دوری از ایران بوده است و اتفاقاً دولت‌های ایران در برابر همه فتنه‌های شکل‌گرفته از درون جمهوری آذربایجان مانند وجود مدعیان قدرتمند بزرگ و از جمله آمریکا و نماینده آن یعنی اسرائیل است. تقریباً همه دولت‌های همسایه و منطقه با از سیاست‌های آمریکا پیروی می‌کنند یا به‌دلیل برخی سیاست‌های جمهوری اسلامی منافع خود را در خطر می‌بینند و می‌توان به‌طور جز به‌جز آنها را مطرح کرد.

در مورد جمهوری آذربایجان که مطلب گفته شد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

رستم در سرزمین مردم‌خواران

را به بند کشیدیم و چون به کاموس با آن فز و شکوه و پیچیدگی بازوانش و آن دست و گرز سنگینش نفریستم که چون کوهی بر پیلی نشسته بود، به دل گفتم: زمان من به سر رسیده است که از روزی که کمر بستم در مبارزه با دشمنان ایران، هرگز در این سال‌های بلند چنین پهلوانانی را ندیده بودم. حتی آنکه که به مازندران رفتم و با دیوها در شب‌های تیره به مبارزه ایستادم، هرگز باور نمی‌داشتم روزی خواهد رسید که با پهلوانانی دژخوی‌تر و دژکام‌تر از دیوها رو در رو می‌شوم و اکنون اگر در برابر یزدان پاک سر فرود آورم و یزدان پاک بغلتم، شایسته است که او مرا زور داد و اخترم را بلند گرداند و آرزو می‌کنم مباد روزی رسد که این نیرو سستی گرفته، راه نشیب در پیش گیرد» و از گودرز خواست تا با گسیل‌کردن پیکي خسرو را از این پیروزی بگذراند و آرزو می‌کنم مباد روزی رسد که این پیروزی به درویشان بسیار ببخشد و در پیشگاه رستم به فراز کوه هماون رفتند؛ درحالی‌که رستم با اندوه مشاهده می‌کرد که بسیار یارانش در خاک فروخته‌اند. به همین روی به دو برادر دیگر خود، نستهمین و گلیاد گفت که از میدان رزم دور شوند تا به جای مانده بود و نه فرط‌وس و نه خاقان چین؛ درفش همه نامداران نگون‌سار شده بود و پهلوانان و یاران خود را همه خسته و زخم‌خورده می‌دید و با اندوه مشاهده می‌کرد که بسیار یارانش در خاک فروخته‌اند. به همین روی به دو برادر دیگر خود، نستهمین و گلیاد گفت که از میدان رزم دور شوند تا به جای مانده بود و نه فرط‌وس و نه خاقان چین؛ درفش همه میمنه سپاه را تاراج کرد و در چپ و راست سپاه به جست‌وجو پرداخت که بداند پیران در کجاست تا کار او را یکسره کند و چون پیران را نیافت، به سپاه خویش بازگشته، به نزد رستم رفت و همراه با رستم به فراز کوه هماون رفتند؛ درحالی‌که رستم با کلاهخود و جوشن دریده شده و آغشته به خون و خاک در پیشانی همگان گام برمی‌داشت. پهلوانان ایرانی خسته و زخم‌خورده اما شادمان راه فراز هماون را در پیش گرفتند و شگفتا از این جهان که پیش از این دل از زنده‌ماندن بریده، به مرگی دلیرانه خوشنود بودند. یک‌یک آنان گردن پریشان احوال و آشفته ظاهر بودند که تا خود را نمی‌شناختند، نمی‌توانستند یکدیگر را بازشناسند. سر و تن ببشتند که پیش از این دل‌هایشان شسته شده بود و دشمن در بند گران بسته مانده بود. رستم به ایرانیان گفت: «اکنون گاه آن رسیده که کمرها بکشاییم و در پیشاروی جهاندار پیروزگر؛ یزدان پاک، به نایبش بایستیم که در پیشگاه او نه گویال را ضرورت است و نه بند کمر را». آنگاه از یاران خود خواست همه سر بر خاک نهند و یزدان پاک را ستایش کنند و سپس خود تاج بر سر نهاد. آنگاه از گذشته یاد کرد و به گودرز و گیو گفت: «آن روز که خسرو را گزارش کردند شرایط سپاه در حصر مانده ایران چگونه است، شاه جهان در نهان به من گفت که توس سپهبد به کوه پناه برده و از پیران و هومان به ستوه آمده است و من بی‌درنگ به فرمان خسرو از ایران بیامدم در حالی که اندوه مرگ بدفرجام بهرام مرا سخت غمین و افسرده گردانیده بود و چون نگاهم بر خاقان چین نشست، خاقانی که به باری تورانیان آمده بود تا دیواری ایستاده بر زمین ایران نگذارد، او

ادامه در صفحه ۸

نعمت احمدی

حقوق‌دان

